



انسان [باید] اول از خودش شروع کند. ببیند خودش چه اوجاجاتی دارد. هر انسانی در خودش نقص‌هایی می‌بیند. کم است کسی که نقص نبیند در خودش؛ و اگر کسی نقص در خودش نمی‌بیند، این خودش یک نقصی است که دارد. انسان باید تربیت بشود. [برای این مسئله هم] از خودش باید شروع بکند؛ از خانواده خودش باید شروع کند. شما از خودتان و خانواده‌هایتان شروع کنید تا به دیگران برسد. باید اول توجه بکنید که رفتار خودتان، کردار خودتان و گفتار خودتان، همه این‌ها منطبق با موازین اسلامی و اخلاقی باشد تا این‌که اگر مردم را دعوت کردید به اسلام، حرف شما مخالف با عمل شما نباشد. خودتان یک وضعی نداشته باشید که وقتی [از اسلام] بگویید، مسخره کنند که آقا خودش فلان است و ما را دعوت به چه می‌کند.

\* ۱۳۵۹/۱۰/۱۴

”



امروز قضیه تربیت کودک و نوجوان با گذشته‌های دور-حتی با گذشته‌های نه چندان دور، مثلاً با بیست سال پیش- خیلی تفاوت کرده است. ما می‌خواهیم از این نسلی که امروز مثل یک ماده خام در اختیار یکایک ماست، چه ساخته شود؟ آینده‌ای را که آن‌ها خواهند ساخت و پرداخت و پیش برد، چگونه تصویر کرده‌ایم؟ اگر حقیقتاً به آرمان‌های اسلامی و ملی و عظمت ایران و ایرانی و جبران راهی که دست‌های استبداد سیاه در این صدوپنجاه سال و دو بیست سال اخیر ما را در آن کشانده است، فکر می‌کنیم، اگر این‌ها برایمان مهم است و به آینده- به معنای حقیقی کلمه- اهمیت می‌دهیم، پس بایستی به تربیت کودک و نوجوان خیلی بپردازیم. درباره آن خیلی فکر کنیم و اهمیت آن را خیلی بشناسیم.

\* ۱۳۷۷/۲/۲۳

”

### حالا خودتان معلمید!

#### هادی سبحانی

- با حوصله باشه.
- مهربون باشه.
- بد اخلاقی نکنه.
- درک بالایی از شرایط داشته باشه.
- توشادی و ناراحتی همراه باشه.
- مواقع سختی دستگیری کنه.
- از اشتباهات بگذره.
- لبخند روی لب داشته باشه.
- و....

این ویژگی‌هایی که می‌بینید، ویژگی‌های یک خواستگار دلخواه برای ازدواج نیست؛ ویژگی‌هایی است که ما پدر و مادرها سال‌ها برای معلمان فرزندانمان مطالبه کرده‌ایم و در قبال سؤال «علاقه دارید معلم فرزندان چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟» آن‌ها را پشت هم ردیف کرده‌ایم؛ چون پنداشته‌ایم آینده فرزندانمان در صورتی به سرانجام نیکویی خواهد رسید که مربیان و معلمانشان با چنین اوصافی به تعلیم و تربیت آنان بپردازند. حالا در روزهای کرونایی، در روزهای تعطیلی، در روزهای قرنطینه و خلاصه در روزهایی که آموزش مجازی پیش از هر زمانی رونق پیدا کرده است و فرزندانمان کنار دست خودمان در خانه به تحصیل می‌پردازند، خود ما پدر و مادرها هستیم که باید بار سنگین معلمی‌شان را بردوش بکشیم. برای تمرین و اجرای این ویژگی‌ها که مطالبه همیشه خودمان بود، آماده‌ایم؟ ما بلدیم برای چند روز یا چند ماه، معلمان مطلوبی برای میوه‌های دل خودمان باشیم؟





## آدم‌های خوب

زهرا حاجی‌زاده

دارچین یا نبات، گاهی لیمو و زعفران یا چند تا پر بهارنارنج توی چای آدم‌های خسته می‌شوند. گودال آب باشند یا دریای بیکران، حس و حال و نیت قلبی‌شان می‌شود چراغ راه گمشده‌ها. حضورشان پراز انرژی است. مثبت‌اندیش و متواضع و مشوق و خوش‌خلق‌اند. آدم‌های خوب، هر روز به یک رنگ در نمی‌آیند. آن‌ها تحسین و تشویق نمی‌خواهند. آدم‌های خوب نگاهشان به بی‌نهایت دوخته‌شده، دیگران را می‌پذیرند و مشکلاتشان را حل می‌کنند. آدم‌های خوب می‌بخشند تا شیشه دلشان در افت و خیز زندگی، در پیچ و خم‌های زیاد، در دور تند جاده‌ها، ناغافل نشکند. جنس رفاقتشان ایرانی است؛ مرغوب مرغوب... اصل اصل... آن‌ها جاخالی نمی‌دهند و شانه‌هایشان تکیه‌گاه همه است. خدا کند همیشه در قاب نگاه خدای مهربان، سالم و دل‌زنده و شاد باشند همه آن‌هایی که در زندگی کرونایی، آدم خوب باقی ماندند.

آدم‌های خوب منتظر نمی‌مانند تا جمعه از راه برسد، پولشان زیاد بشود، تعطیلات آخر هفته بیاید یا کرونا از بین برود، بعدش بی‌کم و کاست و مشغله، سرفرصت یک کار خوب هم بکنند. آدم‌های خوب چشم‌هایشان باز و دل‌هایشان بیدار است. مراقب گلدان دل‌ها می‌مانند تا مبادا کسی یا حرفی یا نگاهی یا مشکل بی‌جوابی، فرصت زندگی را از گل‌ها بگیرد! گاهی لبخند، گاهی خنداندن و خندیدن، گاهی سکوت کردن، گاهی دروغ نگفتن، گاهی نیازمندی را بی‌نیاز کردن، گاهی شجاع بودن و تلافی نکردن، گاهی نترسیدن و دوباره اعتماد کردن، گاهی قدرتمند بودن و بخشیدن و گاهی باد شدن و بادبان‌ها را به حرکت درآوردن کار آدم‌های خوب است. در روزگار بی‌کسی، تنهایی، درماندگی، بیماری و بدهکاری، آدم‌های خوب فرشته‌اند. گاهی هل، گاهی

## فاجعهٔ تقلب

خانه‌ها به دست مهندسی که موفق به تقلب شده، ویران خواهند شد؛  
منابع مالی، به دست حسابداری که موفق به تقلب شده، از دست خواهند رفت؛  
انسانیت، به دست عالمی که موفق به تقلب شده، می‌میرد؛  
عدالت، به دست قاضی‌ای که موفق به تقلب شده، ضایع می‌شود؛  
و جهل در کلهٔ فرزندان کسی که موفق به تقلب شده، فرو خواهد رفت.

این جمله را یک استاد بر سر در ورودی دانشکده برای دانشجویانش نصب کرده بود:  
«برای نابودی یک ملت، نیازی به بمب هسته‌ای یا موشک‌های دور برد نیست؛  
فقط کافی است سطح و کیفیت آموزش را پایین آورد و اجازهٔ تقلب را به دانش‌آموزان داد. آن وقت:  
مریض، به دست پزشکی که بتواند تقلب کند، خواهد مرد؛

